

نشست لیسبون: آغاز همکاری‌های دو جانبه روسیه و ناتو

امیر محمد سوری^۱

روسیه و ناتو پس از سال‌ها اختلافات گسترده در نشست لیسبون بر سر موضوعات مهم و کلیدی به توافقات جدی‌ای دست یافتند. نیاز و فوریت موارد مورد تفاهم و هم‌چنین دغدغه‌های مشترک سبب شد که نشست لیسبون تبدیل به مکانی برای شکل‌گیری دور جدید همکاری‌ها بین طرفین گردد. اما نکته مهمی که باعث شد روسیه به همکاری با غرب اطمینان حاصل کند و سر موضوعات کلیدی سر میز مذاکره بنشیند، تضمین‌های امنیتی بوده که آمریکا پیش از نشست پرتغال به کرملین پیشنهاد کرده بود. این موضوع به خوبی نشان می‌دهد که اگر دغدغه‌های امنیتی این کشور در نظر گرفته شود، همکاری روسیه با غرب محتمل است.

واژگان کلیدی: نشست لیسبون، راهبرد نظامی روسیه، همکاری‌های هسته‌ای، افغانستان، سپر دفاع موشکی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱. پژوهشگر حوزه آسیای مرکزی و قفقاز

مقدمه

روسیه و ناتو همواره رقابت‌های جدی در عرصه‌های نظامی و حتی سیاسی با یکدیگر داشته‌اند و ناتو نیز همواره در تلاش بوده تا برای حل دغدغه‌های امنیتی خود روس‌ها را نادیده گرفته و تنها به سمت حل معضلات خود گام بردارد. راهبردی که طول سال‌های پس از جنگ سرد نتایج مطلوبی را به همراه نیاورده و همواره عقیم مانده است.

اگرچه روسیه پس از حدود دو دهه از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی همچنان در رویای بازگشت به دوران ابرقدرتی به سر می‌برد، اما راهبردهای گوناگونی را که برای نیل به این مهم انتخاب کرده هر کدام با مشکل مواجه شده است. این مساله در شرایطی است که از سویی روسیه با افزایش تهدیدات غیر متعارف و از سوی دیگر با مشکل جدی گسترش ناتو به سمت شرق دست و پنجه نرم می‌کند.

به رغم مواجه با چنین شرایطی و پس از آن که روسیه در راهبردهای پیشین خود با موفقیت چشمگیری مواجه نگردید، این کشور تصمیم گرفت همکاری‌های خود را با غرب گسترش دهد. همکاری در موارد مهم و مورد اختلافی همچون کاهش تسلیحات هسته‌ای متعارف، سپر دفاع موشکی و مسئله افغانستان که پس از ارائه تضمین‌های امنیتی آمریکا و در نشست لیسبون حاصل گردید و همه نشان از تغییر در سیاست خارجی مسکو دارد. البته همسویی منافع و همچنین تضمین‌های امنیتی آمریکا و از همه مهمتر کنار گذاشتن ایده گسترش ناتو در پذیرش همکاری از سوی روسیه مهم بود. اما نکته مهم این است که روسیه نگاه ویژه‌ای به تعاملات شکل گرفته دارد. خواست روسیه برای تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی که از رهگذر هر تعاملی صرفاً در پی دستیابی به آن است، باعث گردیده این کشور نگرش مقطعی به همکاری‌های شکل گرفته در لیسبون داشته باشد. تا از این طریق بتواند ضمن برطرف ساختن مشکلات و نیازها، زمینه‌های مساعدی را برای توسعه توانمندی‌ها فراهم سازد. اساساً محرک اصلی سیاست خارجی این کشور باور به این است که روسیه باید زمانی به قدرتی جهانی تبدیل شود.

سوال مهم در این مقاله این است که آیا دیگر مفهوم توازن قدرت بین روسیه و ناتو رنگ باخته است؟ و یا اتخاذ چنین سیاستی از جانب روسیه به معنای عقب نشینی از خواست ابرقدرتی است؟

۱. راهبرد نظامی روسیه

روسیه در سال‌های پس از جنگ سرد و به خصوص پس از روی کار آمدن ولادیمیر پوتین تلاش داشت تا جایگاه رفیع بین‌المللی و منطقه‌ای خود را بازیابد. برای فهم این مطلب می‌توان به برآورد نظریات متفکرین سیاسی اشاره داشت که هر کدام به طریقی بر این باورند که روس‌ها تنها در رویای بازگشت به دوران ابرقدرتی هستند.

مباحث صورت گرفته در میان متفکرین سیاسی حکایت از چیرگی مفهوم واقع‌گرایی در سیاست خارجی روسیه دارد. دیدگاهی که الزامات خاص آن محرک سیاست خارجی بوده است. اساساً همان‌گونه که از مجموع مباحث صورت گرفته در دیدگاه‌های متفکرین غالب حوزه روسیه بر می‌آید، رهبران این کشور نه در پی تامین منافع اقتصادی صرف، بلکه هدف بلند مدتی را دنبال می‌کنند که تماماً بر مبنای رسیدن به جایگاه رفیع قدرت است.

استفن بلنک از متخصصین حوزه اوراسیا بر این باور است که راهبردهای روسیه از گزاره‌هایی تبعیت می‌کند که تماماً مبتنی بر بازی قدرت در عرصه بین‌الملل است. وی بر این باور است که روسیه طی سال‌های پس از جنگ سرد در پی ایفای نقش هژمونی منطقه‌ای بوده که این مساله را می‌توان از نوع قراردادهای و شرکایی که انتخاب کرده درک کرد. بلنک ضمن رد نظر افرادی همچون اسپيرو که معتقد است روس‌ها در حال تقویت امور اقتصادی و پیوستن به سازمان تجارت جهانی و ایفای نقش مثبت و همکاری جویانه در نظم نوین جهانی هستند. همچنین وی تاکید می‌کند که پیوستن به اقتصاد جهانی و تقویت زیر ساخت‌های اقتصادی به تمامی با هدف گسترش توان نظامی و بین‌المللی روسیه برای گسترش حوزه نفوذ خود بوده است. راهبردی که همواره پوتین به عنوان یکی از راه‌های برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی از آن نام می‌برد. (Blank and Weitz، 2010)

دیمیتری ترینین معاون مرکز کارنگی در مسکو نیز معتقد است، روسیه خواست برقراری توازن قوا و رسیدن به جایگاه دوران جنگ سرد را در سر می‌پروراند هرچند در این مسیر با مشکلاتی مواجه است. ترینین از سوی دیگر با توجه به مباحث صورت گرفته در نشست‌های ناتو در سالیان گذشته اظهار می‌کند که روس‌ها از این که عضو پایین‌تر در بین اعضای اروپایی شناخته شوند، بسیار ناراحت و نگران هستند. به همین دلیل حاضر به پذیرفتن هیچ پیمانی در طول تمام سال‌های پس از جنگ سرد با ناتو نبودند. (Trenin, 2009)

آریل کوهن نیز بر این باور است که حتی سازمان‌های مهمی که روس‌ها صرفاً برای گسترش تعاملات شکل داده‌اند، کارآمد نبوده‌اند و هیچگاه نتوانسته‌اند از خواست‌های اولیه‌ای که آفرینندگان آن مد نظر داشته‌اند، فراتر بروند؛ زیرا آن اراده‌ای که مدنظر کارکردگرایان برای توسعه فعالیت‌ها از حوزه اقتصادی به سیاسی بوده هرگز وجود نداشته است. این مساله در مورد سازمان‌هایی همچون شورای روسیه و اروپا هیچگاه محقق نشد. زیرا هیچگاه نه طرف روسی و نه اروپایی تمرکز خود را بر نهادهای جمعی بین خود قرار نداده‌اند. طی زمانی که از تاسیس این شورا می‌گذرد همچنان روابط بین اتحادیه اروپا و روسیه از انتظاراتی که بین سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۲ بوده، فراتر نرفته است و شورا صرفاً فعالیت خود را به شکل کار گروهی برای امور فنی تغییر داده و همین وضعیت را تا به امروز نیز حفظ کرده است. در حالی که موارد جدی مورد مناقشه در امنیت اروپا از قبیل کوزوو، قفقاز و دفاع موشکی بالستیک همگی باید در چارچوب شورا مورد بحث و تفسیر قرار می‌گرفت. (Cohen, 2009)

از طرفی سند دفاع ملی روسیه که در فوریه ۲۰۱۰ که حاصل هم اندیشی جمع کثیری از مقامات و متخصصین نظامی و سیاسی روسیه بود از زاویه دیگری به این مساله نگاه کرده است. مفاد سند نظامی روسیه نه تنها مواردی را بر می‌شمارد که از طریق آن می‌بایست مسیر دستیابی به قدرت جهانی و منطقه‌ای طی شود، بلکه در این مسیر موانعی را بر می‌شمارد که جلوی گسترش توان روسیه را گرفته و به چالش می‌کشد. مفاد سند دفاعی روسیه بر این نکته تاکید دارد که برطرف ساختن این مسایل به روس‌ها کمک می‌کند تا با توجه به امکاناتی که در اختیار آنهاست، بتوانند به قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی مهمی تبدیل شوند.

یکی از تهدیداتی که سند بر آن تاکید دارد، گسترش حوزه ناتو به سمت شرق است. ناتو با گسترش خود، خطوط جدایی را افزایش داده است. فعالیتی که بیگانه شدن بیشتر دول اروپای شرقی را به همراه داشته و روسیه را در مقابل خود قرار داده است. (Waltz, 2000: p.22)

اعضای ناتو که خود را فاتح جنگ سرد می‌دانند، زمانی که قدرت رقیبی برای برقراری توازن در برابر آنها نبود، مانورهای نظامی گسترده‌ای را به راه انداخته و سعی کردند تا حوزه گسترش نفوذ خود را گسترش دهند. در این شرایط بود که ناتو تصمیم گرفت فرصت‌ها و موقعیت‌های خود را در عرصه بین‌المللی به دیگران بقبولاند. (Waltz, 2000: p.24)

به همین دلیل حاکمان روس به شدت از غرب و سیاست‌های آنها دل‌نگران بوده و همواره بر این باور هستند که رویکرد غرب علیه منافع روسیه در عرصه بین‌المللی، نابود کننده منافع آنها در منطقه و مانع جدی در جهت تبدیل شدن روسیه به قدرت منطقه‌ای بوده است. (Blank and Weitz، 2010:p.15) نگرانی از راهبردهای غرب در میان نخبگان روس به قدری جدی است که حتی در بسیاری از موارد این گونه القا می‌شود که تهدیداتی که رهبران این کشور احساس می‌کنند، مشخص کننده دکترین نظامی و سیاست‌های دفاعی کرمیلین خواهد بود. نیکلاس گریف از متخصصین نظامی در وزارت دفاع روسیه معتقد است که بیشتر تهدیدات نه از دورن روسیه، بلکه به تمامی از بیرون نشأت می‌گیرد و اساساً همین دغدغه بیرونی است که روس‌ها را به تکاپو می‌اندازد. (Blank and Weitz، 2010:p.37) تکاپویی که حتی در برخی از موارد داعیه حمایت از یکپارچگی داخلی را نیز در بر می‌گیرد. چنین نگرش‌لینینی در روسیه حتی مخالفت‌های درونی را به دشمن خارجی پیوند زده و هرگونه تحرکی حتی پیشرفت‌های اطلاعاتی و تجهیزاتی دیگر کشورها را نیز خطر قلمداد کرده و در برخی موارد تا آن جا پیش می‌رود که این گونه تحرکات و فعالیت‌ها را علیه منافع ملی خود و از بین برنده انسجام ملی قلمداد می‌کند. (Blank and Weitz، 2010:p.39)

به همین دلیل در سند و در بخش خطرات جنگ و تهدیدات نظامی این باور وجود دارد که ساختار امنیت بین‌الملل واجد مکانیسم‌هایی است که امنیت را برای همه دولت‌ها به صورت برابر فراهم آورد و کاملاً تبعیض آمیز رفتار می‌کند. (Russian Federation، 2010) در سند نظامی نیز آمده است در شرایطی که ناتو راهبردهای توسعه طلبانه دارد، امکان قدرت‌یابی مسکو ناچیز است به همین دلیل یکی از راه‌کاری‌های روسیه باید مقابله با این وضعیت باشد. اما سند دفاع ملی، گذشته از آن که مقابله با تهدیدات ناتو را برای دستیابی به جایگاه رفیع روسیه بسیار مهم ارزیابی می‌کند در تلاش است تا با تقویت ساختارهای نظامی در داخل و همچنین تقویت ارتباطات منطقه‌ای نفوذ گذشته خود را بازیابد. یکی از این تلاش‌ها احیای تسلط سنتی بر آسیای مرکزی و قفقاز از طریق تقویت جایگاه خود در سازمان‌های منطقه‌ای بوده است. در کل این سند برای جلوگیری از منازعات منطقه‌ای و همچنین احیای توان روسیه اهمیت بسیاری برای همکاری و هماهنگی در چارچوب سازمان‌های منطقه‌ای قائل است. البته این سند برای هر کدام از این سازمان‌ها کارویژه‌ای

جداگانه در نظر گرفته تا بتواند تاثیرگذاري مطلوب‌تري به دنبال داشته باشد و جايشگاه خود را باز يابد. (Russian Federation، 2010)

تقويت پايشگاه‌ها و تسليحات نظامي يكي ديگر از مهمترين موارد ي است كه جايشگاه ويژه‌اي براي رساندن كرملين به اهداف خود دارد. به همين دليل تسليحات هسته‌اي در دكترين نظامي روسيه جايشگاه ويژه‌اي دارد و تجهيز و توسعه مسايل هسته‌اي، موشك‌هاي بالستيك زميني، زير دريايي‌هاي مجهز به بمب افكن‌هاي راهبردي و همچنين كلاهك‌هاي هسته‌اي اهميت زيادي دارد. (Ria Novosti.5 Feb. 2010) اين سند همچنين به اهميت سلاح‌هاي مدرن و متعارف نيز كاملاً واقف بوده و اشاره مي‌كند كه اين دسته از تسليحات براي امنيت روسيه بسيار حياتي است. به عنوان مثال در همين زمينه روسيه سلاح‌هايي پروازي كه نياز به هدايت انسان ندارند را از اسرانييل خريداري كرده است. (Ria Novosti.23 Oct 2009)

از سوي ديگر روسيه براي اين كه بتواند جايشگاه خود را در عرصه بين‌المللي باز يابد توجه ويژه‌اي به تقويت جايشگاه خود در درون معطوف نموده است. بخش سوم دكترين نظامي، توجه ويژه‌اي به تلاش‌هاي اقتصادي كه در نهايت بايد توسعه تجهيزات متعارف را براي روسيه به ارمغان آورد. از جمله كارهايي كه در جهت نيل به اين مهم صورت گرفته، تاسيس مجتمع نظامي و صنعتي براي تضمين حضور راهبردي روسيه در بازارهاي جهاني توليدات با تكنولوژي بالا و خدمات است. (Russian Federation، 2010) در واقع روسيه تلاش داشته، جايشگاه خود را در بازارهاي تسليحاتي حفظ نمايد. همين تلاش‌ها باعث گرديده اين كشور حدود 7/4 ميليارد دلار در سال 2009 صادرات تسليحات نظامي داشته باشد. (Sipri, 2009) قطعاً يكي از اهداف اين مجتمع صنعتي نظامي پيشبرد كيفيت تسليحات نظامي است. بودجه نظامي روسيه نيز تا سه سال آينده 40 ميليارد دلار (50 درصد) افزايش خواهد داشت. از سوي ديگر اين دسته از تلاش‌ها كوششي است در درون براي برقراري مجدد توازن قوايي كه در نتيجه اختلاف در توانمندی‌هاي نظامي روسيه از بين رفته است. البته در اين بخش نيز ياري گرفتن از توانمندی‌هاي ديگران مهم دانسته شده است (Ria Novosti.5 Feb. 2010)

مجموع اين مباحث به همراه فعاليت‌هاي اين كشور، نشان‌دهنده راهبرد كلان روسيه يعني دست‌يابي به ابرقدرتي و همپايي با آمريكا در عرصه تحولات بين‌المللي بوده است. چنين ديدگايي همچون متغير اصلي، تعيين كننده سياست‌هاي كلان اين كشور در

چگونگی برقراری تعاملات آن بوده که البته نیل به این مهم مشکلاتی را نیز به همراه داشته است.

۲. چالش‌های روسیه برای نیل به اهداف

روسیه خواست‌ها و حتی تهدیدات مشخصی دارد. مقامات نظامی و حتی سند دفاعی این کشور نیز راه‌کارهایی برای نیل به این اهداف مشخص کرده‌اند، اما بیشتر آنان به شکست انجامیده و حتی در برخی موارد تنها باعث تحقیر بیشتر و سردرگمی شده است. خواسته‌هایی که با شرایط سیاسی و بین‌المللی و منطقه‌ای در تضاد و تعارض قرار دارد و نتیجه‌ای جز ناکامی در پی نداشته است.

در ابتدای فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، یلتسین در تلاش بود تا به عضویت اتحادیه اروپا در آید و شاید از این طریق هویت جدیدی برای روس‌ها بیابد؛ اما این مساله گزاره واقع بینانه‌ای با توجه به شرایط سیاسی اروپا و روسیه نبود. واقعیت آن است که روسیه همچنان بیگانه‌ای در ساختارهای امنیتی و دفاعی اروپا به شمار می‌رود. هنوز روندها و ساختار مناسبی برای همکاری و تعامل در طول تمام سال‌های پس از جنگ سرد شکل نیافته که البته همین مساله نگرانی‌های امنیتی روسیه را بیشتر ساخته است. به هر حال تمامی تلاش‌ها برای عضویت در اتحادیه اروپا به عنوان گزینه‌ای در جهت کمک به روسیه به شکست انجامید؛ زیرا هم غرب فاقد اراده‌ای کافی برای پذیرش روسیه به عنوان عضوی از جامعه اروپا بود و هم به دلیل این که نخبگان روس میان راهبرد همکاری جویانه و یا راهبرد مقابله و محافظه کارانه در برابر غرب در شک و تردید و نوسان بودند.

گذشت زمان و ملاحظه ناکامی‌های مربوط به عضویت در اتحادیه اروپا به همراه راهبردهای توسعه طلبانه غرب، مخالفت‌ها را در درون روسیه بیشتر کرد. مخالفتی که تنها تنش‌ها را افزایش داد. به عنوان مثال طرفداران جناح راست در روسیه از قبیل ژنرال بازنشسته لئونید ایواشف و کنستانتین کساجف رئیس کمیته امور بین‌الملل دوما، طرح‌های همکاری با ناتو را رد کرده و بر این باورند که ناتو و ایالات متحده باید در وهله اول سلاح‌های تاکتیکی خود را کنار بگذارند. (Interfax, 2 feb. 2008) تحلیلگر روس میخائیل راستوپچین نیز آغاز گفتگوها برای منسوخ کردن معاهده نیروهای هسته‌ای

میان برد و ایجاد معاهده‌های جدید را زمینه ساز تشدید مشکلات و رقابت با ناتو می‌داند. (Vermya Novosti, 3 feb. 2008)

در نتیجه این مسایل بود که روسیه هدف پیوستن و حتی همکاری با غرب را کنار گذاشت و تلاش کرد تا تبدیل به ابرقدرتی مستقل در جهان شود. برای نیل به این مهم کرم‌لین اهداف خود را باز تعریف کرد که شامل تسلط بر همسایگان نزدیک، برابری با مراکز قدرت اصلی جهان همچون چین، اتحادیه اروپا، ایالات متحده و همچنین شکل دادن به نظم چند جانبه جهانی بود. اما این سیاست از راهبرد قبلی تاسف بارتر بود. یک دهه پس از اعلام چنین سیاستی مشخص شد که روسیه برای دستیابی به این مهم نیز با مشکلات جدی مواجه است.

زمانی که روس‌ها اروپا را رها کردند، تلاش نمودند تا به رویای پر فروغ شوروی بازگردند، اما هیچ کشوری از این طرح و تفکرات روسیه استقبال نکرد. حتی زمانی که روسیه، آبخازیا و اوستیای جنوبی را به رسمیت شناخت، سازمان‌های منطقه‌ای که روسیه در مورد جایگاه و موقعیت برتر خود در آنها، حساب ویژه‌ای باز کرده بود واکنشی از خود نشان ندادند؛ نکته‌ای که پوتین نیز آن را تایید کرد. البته وی اعلام داشت که برای ما این تاییدها مهم نیست، بلکه آن چه از اهمیت بیشتری برخوردار است، حمایت و محافظت از این دو منطقه است. مدودف نیز اعلام کرد که بسیاری از رهبران اروپایی به صورت خصوصی حرکت روسیه را تایید کرده‌اند. همین عدم پذیرش نیت روسیه به صورت علنی به درستی نشان می‌دهد که هیچکس نمی‌خواهد محور بودن روسیه را پذیرا باشد. (Trenin, 2009, p:77)

البته نباید این مساله را نیز از نظر دور داشت که چنین مسایلی روس‌ها را از هدف خود ناامید نکرده است و کرم‌لین در پی راه‌هایی جایگزین برای نیل به هدف دست نیافتنی خود در این شرایط است.

۳. نشست لیسبون

ناکامی آن هم در اوراسیا و رویارویی با مشکلاتی که توان حل آن بدون یاری دیگران ممکن نیست و از همه مهمتر، آرزوی ابرقدرتی که حس نوستالژیک هر شهروند و سیاستمداری را برمی‌انگیزد، شرایط بغرنجی را جلوی پای تصمیم گیران قرار داده است. روس‌ها با توجه به شرایط فوق تصمیم گرفتند، ضمن حل و فصل برخی از دغدغه‌های

امنیتی فوری خود و گرفتن برخی تضمین‌های امنیتی در شرایط حاضر رو به سوی همکاری بیاورند و خواست کلان خود را به تعویق بیندازند. همکاری آن هم در شرایطی که دغدغه‌های مشترکی بین روسیه و ناتو وجود دارد، باعث گردیده تا هر دو طرف به دلیل ترس از بحران‌های رو به افزایش به طور موقت همکاری را سر لوحه خود قرار دهند و در شرایط کنونی از بار مشکلاتی که سنگینی می‌کند تا حدودی خلاصی یابند. این همکاری برای روس‌ها فرصتی است تا ضمن برطرف ساختن مشکلات و نیازهای امنیتی فوری خود، فرصتی بیابد تا از رهگذر آن خود را بیش از پیش برای بر عهده گرفتن مسوولیت‌های منطقه‌ای و جهانی آماده سازد.

تغییر رویکرد ناتو

بازنگری در راهبرد ناتو در سال ۲۰۱۰ فرصت مناسبی بود تا پس از بیست سال که از دوران جنگ سرد می‌گذشت، تجدید نظر جدی در مورد سلاح‌های تاکتیکی در اروپا صورت گیرد. بسیاری در اروپا بر این باورند که چنین کاهش تسلیحاتی که در بازنگری راهبردی امنیت اروپا در ۲۰۱۰ تصویب شده است، می‌تواند امنیت را بسیار بهتر و دقیق‌تر در اروپا فراهم آورد، اما در این راهبرد جای خالی روسیه کاملاً مشهود بود. واقعیت آن است که صرف کاهش تسلیحات هسته‌ای و اتخاذ تصمیماتی از این دست نمی‌تواند مطلوب باشد، بلکه دستورالعمل‌های مهمتری همچون همکاری با روسیه در پیش‌برد چنین مسایلی حیاتی است. اساساً بدون دستیابی به فهم مشترک با روسیه، رسیدن به امنیت پایدار و مطمئن برای اروپا غیر ممکن است. واقعیت آن است که سیاست هسته‌ای و سلاح‌های تاکتیکی در خلاء سیاسی و امنیتی شکل نمی‌گیرد. با توجه به چنین دیدگاه و الزامی بود که اروپا تصمیم گرفت در مورد مشکلات خود راه‌کاری را برای همکاری و جلب اعتماد روسیه بیابد. به همین دلیل پیش از آن که روسیه به سمت همکاری با ناتو حرکت کند این اروپا بود که به دلیل مشکلات خارجی از جمله مسئله افغانستان و مشکلات داخلی چون کسری بودجه تصمیم گرفت، راه همکاری را با روسیه برای حل معضلات در پیش بگیرد. برای دستیابی به این هدف ناتو از طرح گسترش به شرق در اجلاس ۲۰۱۰ لیسبون چشم‌پوشی کرد. در اجلاس ناتو در بخارست ۲۰۰۸ بحث‌های بسیاری بر سر عضویت اکراین و گرجستان به ناتو مطرح و در استراسبورگ ۲۰۰۹ نیز صحبت‌هایی در مورد ترکیه شد، اما در سال

۲۰۱۰ از هیچکدام از این مسایل اختلاف برانگیز خبری نبود و حتی دیمیتری مدودف طی این نشست مشارکت جدی داشت.

در نشست لیسبون اعضای ناتو پنج سند مهم و کلیدی را به تصویب رساندند؛ سند اول "مفهوم نوین راهبردی ناتو" بود که با عنوان "مشارکت فعال، دفاع مدرن: مفهوم نوین استراتژی ناتو" در ۱۱ صفحه و ۳۸ بند به تصویب اعضاء رسید. در این سند اصول و وظایف کلی سازمان برای یک دهه آینده ترسیم و در آن به سوالات پایه‌ای در خصوص راهبرد سازمان و اینکه نوع تعریف از محیط امنیتی چگونه است و وظایف و رویکردهای در دستور کار ناتو برای این یک دهه چه خواهد بود، پاسخ داده شده است. این موضوع در واقع همان مفهوم نوین راهبردی ناتو است. سند بعدی اعلامیه نشست لیسبون شامل ۵۴ بند است که به نوعی خلاصه‌ای از مجموعه مباحث و تصمیمات اتخاذ شده در این نشست بود. بیانیه مشترک شورای ناتو- روسیه سند دیگر نشست لیسبون است که در پایان نشست شورای ناتو- روسیه در سطح سران ارائه شد. چهارمین مورد سندی با عنوان اعلامیه ناتو و افغانستان در زمینه مشارکت پایدار بود که رویکرد ناتو در افغانستان را طی سال‌های آینده مشخص کرده است. آخرین سند نیز اعلامیه‌ای بود که سران دولت‌های مشارکت کننده در عملیات افغانستان یا همان کشورهای ایساف شامل ۴۸ کشور ارائه کردند. (www.Nato.int,2010)

اجلاس ناتو در لیسبون از چند جهت مهم تلقی می‌شود؛ بحث پیرامون دورنمای استراتژیک این پیمان در دهه آینده، بررسی جایگاه روسیه در همکاری با ناتو، باز تعریف ماموریت‌های جدید با توجه به شرایط جدید جهانی، تدوین طرح‌های امنیت و دفاع مشترک و همچنین اتخاذ راه کار مشترک برای چگونگی خروج نیروهای نظامی از افغانستان از محورهای اساسی اجلاس لیسبون بوده است. علاوه بر آن اعمال تغییرات ساختاری و کاهش نیروها و هزینه‌ها از دیگر محورهای مورد بحث بوده است.

اعضای نشست لیسبون رویکرد خود را نسبت به دو مورد جدی و مهم تغییر دادند و راه جدیدی را برای تداوم فعالیت‌های ناتو و همکاری با روسیه باز کردند. از سویی این اتحادیه راهبرد خود را در مورد تهدیدات نوینی که اروپا و آمریکا را در معرض خطر قرار داده و مدت‌ها بر سر آن بحث بود، تصویب و مشخص نمود که غرب امروزه بیشتر در معرض خطرات غیر متعارف قرار دارد. به همین دلیل در تلاش هستند تا توانمندی‌ها و رویکردها را برای برخورد با این مسایل تغییر دهند. از سوی دیگر و برای نیل به امنیت پایدار با توجه به

چنین شرایطی تصمیم گرفتند تا اختلاف خود را با همسایه دیرینه و مهم خود یعنی روسیه کنار گذاشته و همکاری‌ها را در زمینه سپر دفاع موشکی و افغانستان گسترش دهند. طبیعتاً مقابله با تهدیدات غیر متعارف نیز همکاری و یاری روسیه را به دلیل نفوذ این کشور در اوراسیا می‌طلبد.

از طرفی ناتو تهدیدات غیر متعارف و هسته‌ای را تهدید درجه یک خود ارزیابی کرده و اعلام داشته که باید توانمندی‌های ناتو متناسب با تهدیدات مدرن باشد. راسموسن دبیر کل ناتو پیش از این اعلام کرده بود که ناتو باید عملکرد خود را نسبت به تهدیدات مدرن تغییر دهد. نکته‌ای که روس‌ها نیز در سند نظامی خود بر آن تاکید داشتند. به نظر راسموسن در حال حاضر احتمال حملات متعارف نظامی به سرزمین‌های ناتو بسیار پایین آمده و تهدیدات نوین که شامل سلاح‌های بیولوژیکی، شیمیایی، بالستیک و منازعات بر سر انرژی و خطوط حمل و نقل می‌شود، بیشتر شده است. از سویی راسموسن بر این باور است که نیروهای ناتو با درس گرفتن از عملیات‌های موجود در افغانستان به این نتیجه رسیده که توانمندی‌ها و انتظارات خود را با واقعیات موجود در برخی از کشورهای بی‌ثبات که نیازمند عملیات‌های ضد شورش و بازسازی هستند، منطبق کند. (Telegraph.co.uk, 16sep, 2010)

برای این منظور و به دلیل داشتن منافع و دغدغه‌های مشترک، ناتو لازم دید تا اختلافات با روسیه را کنار بگذارد تا هم بتواند به بهترین نحو تهدیدات غیر متعارف را هدف قرار دهد و خواست‌های خود را پی‌گیرد و هم این که یکی از مهمترین مسایل خود یعنی کاهش سلاح‌های اتمی، استقرار سپر دفاع موشکی و برقراری امنیت در افغانستان را دنبال کند.

اساساً همکاری با روسیه به این اتحادیه کمک می‌کند تا آنان بتوانند اولویت‌های دیگر خود که شامل جلوگیری از گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، جلوگیری از منازعات جدید در اوراسیا، امنیت انرژی را به درستی پی‌گیری نماید.

آغاز همکاری‌های بین روسیه و ناتو

پذیرش همکاری روسیه با ناتو که پس از تلاش‌های آمریکا در جلب رضایت این کشور حاصل شد، نتیجه مدت‌ها بحث و تغییر رویکردی بود که اروپا اعمال کرد و قطعاً یکی از مهمترین اهداف و دستاوردهای نشست لیسبون به شمار می‌رود. در همین راستا آمریکا با

وعده به تصویب رساندن پیمان استارت در مجلس آمریکا و تضمین امنیتی به روسیه توانست نظر مثبت این کشور را برای همکاری در مورد سپر دفاع موشکی در اروپا و کاهش سلاح‌های اتمی بدست آورد.

در همین راستا اوباما پیمان استارت را به پارلمان آمریکا ارائه و به تصویب رساند که مورد توجه بسیار مقامات کرم‌لین قرار گرفت. مسکو نیز متقابلاً موافقت دومی این کشور را نسبت به این توافقنامه کسب کرد. محدودیت‌های این پیمان شامل کاهش کلاهک‌های هسته‌ای به ۱۵۵۰ عدد است که این مساله به معنای کاهش ۷۴ درصدی این تجهیزات است. این میزان کمتر از پیمان ۱۹۹۱ استارت و ۳۰ درصد کمتر از ۲۲۰۰ کلاهکی که دو طرف در پیمان سورت قرار گذاشته بودند که تا ۲۰۱۰ به آن دست پیدا کنند. از سویی نباید تعداد موشک‌های بالستیک و زیردریایی‌هایی که قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای دارند، برای طرفین بیش از ۷۰۰ فروند و موشک بالستیک و زیردریایی غیر مستقر از ۸۰۰ فروند بیشتر باشد. (BBC.com, 2 feb2011)

بر طبق مباحث صورت گرفته بنا بود که پس از هماهنگی در زمینه کاهش تسلیحات هسته‌ای همکاری‌هایی در خصوص توسعه‌های سیستم‌های موشکی صورت گیرد. در مورد طرح سپر دفاع موشکی در اروپا قرار شده است تا رادارهای آمریکا در فنلاند و رومانی به سیستم‌های دفاع موشکی و راداری در اروپا که آن نیز باید گسترش یابد، متصل شده و بدین وسیله سیستم گسترده‌ای را ایجاد کنند که هزینه آن ظرف ۱۰ سال باید توسط ۲۸ کشور تامین شود. (Foxnews, 15 Dec 2010) در همین زمینه ناتو در حال حاضر موافقت خود را با سیستم دفاع موشکی بالستیک اعلام کرده که در این طرح نیز روسیه شرکت خواهد داشت و احتمالاً این طرح زودتر از سال ۲۰۱۵ اجرا خواهد شد. البته روسیه در مورد جزییات و نحوه اجرا این طرح یکسری اختلافاتی دارد. روس‌ها معتقدند که باید کاملاً مطمئن شوند که سوئیه این طرح علیه منافع آنها نخواهد بود و توازن نظامی را در اوراسیا بر هم نخواهد زد. (Flockhart, 2010,p:2).

واقعیت این است که روسیه نقش و جایگاه همکاری در مورد تسلیحات و موشک‌های هسته‌ای با اروپا را بسیار مهم ارزیابی می‌کند. کرم‌لین پس از منازعه نظامی با گرجستان در سال ۲۰۰۸، بیشتر از همیشه به اهمیت به روز رسانی تجهیزات نظامی متعارف خود پی‌برد. طبیعتاً همکاری‌های صورت گرفته با ناتو در زمینه برقراری سپر دفاع موشکی، سلاح‌های

تاکتیکی و همچنین کاهش سلاح‌های هسته‌ای این فرصت را برای روسیه فراهم می‌آورد که جدی‌تر و با آسودگی خاطر از مسایل و رقابت‌های هسته‌ای گذر کرده و روی به تجهیز تسلیحات متعارف آورد.

از سوی دیگر مشارکت در طرح‌هایی همچون افغانستان برای روسیه بسیار حیاتی است. روسیه منفعت مهمی در تضمین امنیت در افغانستان دارد. هدف مهم و جدی روسیه در افغانستان که دغدغه همیشگی آن نیز بوده، جلوگیری از گسترش بی‌ثباتی، تروریسم و مواد مخدر به آسیای مرکزی و خاک روسیه است. (Korgun,2010,p:3) جدیت روسیه در مقابله با این وضعیت طی سال‌های اخیر کاملاً واضح بوده است. الکساندر پورتنیکوف رئیس سازمان امنیتی روسیه در مصاحبه‌ای با ایترتاس در نوامبر ۲۰۱۰ اعلام داشت که پاکستان و افغانستان به مرکزی برای پرورش تروریسم تبدیل شده‌اند که این روند منافع روسیه و دولت‌های آسیای مرکزی را به شدت تهدید می‌کند. وی نگرانی عمیق خود را در کنفرانسی در تاجیکستان ابراز داشت و بیان کرد که گسترش فعالیت‌های نیروهای طالبان در شمال نگرانی‌ها را بیشتر کرده است. (Nation,10nov,2010)

همکاری روسیه با ناتو در افغانستان شامل موافقت با عبور تجهیزات و امکانات مربوط به نیروهای آمریکائی و ناتو به افغانستان از مسیر روسیه می‌گردد. در این راستا دیمتری مدودف رئیس‌جمهور روسیه توافقنامه بین روسیه و فرانسه در خصوص ترانزیت هوایی کالاهای نظامی به افغانستان که در دومای دولتی روسیه به تصویب رسید را امضاء کرد. مفاد این سند شامل شرایط حقوقی و بین‌المللی لازم به منظور تحقق قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد در راستای فراهم‌سازی امکانات لازم برای ترانزیت تجهیزات، فن‌آوری‌های نظامی و همچنین نیروهای نظامی و پرسنل غیر نظامی ارتش فرانسه از طریق حریم هوایی روسیه می‌شود. روسیه توافقنامه بین دولتی مشابهی را نیز با کشورهای آلمان و اسپانیا امضاء کرد. پس از این توافقات بود که حمله مشترک روسیه و آمریکا به مزارع تولید تریاک در افغانستان نیز آغاز شد. گروه‌های مبارزه با قاچاق مواد مخدر از دو کشور آمریکا و روسیه به چهار کارگاه تهیه مواد مخدر در افغانستان حمله و آنها را پلمپ کردند. این عملیات از نظر جهانی بسیار مهم بود زیرا اولین عملیات مشترک روسیه و آمریکا در مورد افغانستان به شمار می‌رفت. (Ava press,5 nov,2010)

نتیجه گیری

دکترین نظامی روسیه نگرانی‌های مهمی را بر می‌شمارد؛ نگرانی‌هایی که اولویت را به برخورد با تهدید ناتو می‌دهد و در ادامه نیز مسایلی همچون منازعات منطقه‌ای، گسترش توانمندی‌های نظامی و مقابله با تهدیدات غیر متعارف را نیز شامل می‌شود. هرچند سرچشمه بخشی از تهدید دانستن ناتو از تفکرات رهبران سیاسی روسیه نشأت می‌گیرد، اما راهبردهای سالیان اخیر این اتحادیه و گسترش آن به درون مناطق نفوذ کرم‌لین در این ترس موثر بوده است.

روس‌ها مشکلات و دغدغه‌های مهم دیگری نیز دارند که در بسیاری از آنها با غرب مشترک هستند، اما بنا به دلایل بسیار و مهمی، اولویت را به برخورد با ناتو قرار داده بودند تا همکاری با آن. تغییر رویکرد ناتو مخصوصاً در نشست لیسبون و ارائه تضمین‌های امنیتی از سوی آمریکا، نوید بر طرف شدن بخشی از سوءتفاهمات را با اروپا و آمریکا را نوید می‌داد. امیدي که باعث شد، طرفین در موارد مهمی همچون افغانستان و سپر دفاع موشکی همکاری‌های باارزشی را آغاز کنند.

تضمین امنیتی ناتو به روسیه و همچنین برطرف ساختن دغدغه اصلی این کشور یعنی گسترش حوزه نفوذ اروپا و آمریکا به شرق و استقرار سپر دفاع موشکی در نزدیکی مرزهای کرم‌لین، هرچند زمینه‌های مساعدی را برای همکاری فراهم آورده، اما همچنان موانع و چالش‌هایی جدی وجود دارد. مهمترین این چالش‌ها نبود ساز و کارهای کارآمد و مساعد برای ثبات بخشی به روابط و مشکل دیگر بدبینی‌هایی در درون روسیه و حتی اعضای ناتو نسبت به ارزش همکاری‌ها و تداوم آن است.

از طرفی مهمترین نکته‌ای که در نشست لیسبون به جمهوری اسلامی ایران مربوط می‌گردید، بحث استقرار سپر دفاع موشکی بود. اگرچه در بیانیه ۳۸ ماده‌ای ناتو نامی از جمهوری اسلامی ایران برده نشده است، اما اخبار منتشر شده از سوی رسانه‌ها قبل از گشایش رسمی اجلاس حکایت از آن داشت که موضوع سپر دفاع موشکی و محل استقرار آن یا محل نصب رادارهای ره گیر آن در ترکیه می‌تواند مورد توجه جمهوری اسلامی ایران باشد.

البته اعضای ناتو به دلیل تردیدهایی که روسیه همچنان در این مورد دارد و همچنین پافشاری‌های ترکیه برای جلوگیری از هدف قرار دادن جمهوری اسلامی ایران با

چالش‌های جدی مواجه است. به هر حال هرچند اظهار نظرهایی در مورد تحت تاثیر قرار دادن جمهوری اسلامی ایران بیان شده، اما از سوی دیگر باید این مهم را نیز در نظر داشت که بیشتر مباحث مطرح شده در نشست لیسبون حول همکاری‌های غرب با روسیه و از همه مهمتر بر طرف ساختن تهدیدات غیرمتعارف است که طبیعتاً با توجه این شرایط تحت‌الشعاع قرار دادن امنیت جمهوری اسلامی ایران به‌رغم اظهار نظرهای صورت گرفته بعید و دور از دسترس به نظر می‌رسد.



1. Kenneth N. Waltz (2000), "**Structural Realism after the Cold War**", International Security, Vol. 25, No.1
2. Stephen J. Blank and Richard Weitz,(2010), "**The Russian Military Today And Tomorrow: Essays IN Memory Of Mary Fitzgerald** ",At: <http://www.StrategicStudiesInstitute.army.mil/>,july
3. Trine Flockhart (2010), "**Hello Missile Defense-Goodbye Nuclear Sharing?**", DIIS Policy Brief,
4. Victor Korgun (2010), "**The Afghan Problem from a Russian Perspective**", Russian Analytic Digest, at: www.laender-analysen.de.
5. Dmitri Trenin and Alexei Malashenko (2010), "**Afghanistan : A View from Moscow**", Carnegie Endowment.
6. Dmitri Trenin (2009), "**Russia Reborn, Reimagining Moscow Foreign Policy**", Carnegie Moscow Center.
7. Ariel Cohen (2009), "**Russia Economic Crisis and Us – Russia Relations: Troubled Times Ahead**" , Heritage Foundation,
8. Kramnik, Ilya. "**Who Should Fear Russia's New Military Doctrine?**", RIA Novosti. 23Oct 2009.<http://en.rian.ru/analysis/20091023/156567212.html> (Accessed Feb 20, 2010).
9. Russian Federation (2010), "**Military Doctrine of the Russian Federation**".
10. RIA Novosti, "**Russian President Approves New Military Doctrine**", 05Feb 2010. http://en.rian.ru/mlitary_news/20100205/157785368.html (Accessed Feb20, 2010).
11. RIA Novosti, "**Russian Warships Sail to Horn of Africa on Anti-Piracy Mission**", 29 Mar 2009. <http://en.rian.ru/russia/20090329/120789018.html> (accessed Feb 21, 2010).
12. SIPRI. 2009. SIPRI Yearbook 2009, "**Armaments, Disarmament and International Security**" ,Stockholm: SIPRI. <http://www.sipri.org/yearbook/2009/files/SIPRIYB09summary.pdf>.
13. Telegraph.co.uk, "**Russian Subs Stalk Trident in Echo of Cold War**", <http://www.telegraph.co.uk/news/newstopics/politics/defence/7969017/Russian-subs-stalk-Trident-in-echo-of-Cold-War.html>(accessed Dec15,2010)
14. Telegraph.co.uk, "**Russian Spy Colleagues Raised Concerns Over Mike Hancock's Assistants**", <http://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/europe/russia/8183312/Russian-spy-colleagues-raised-concerns-over-Mike-Hancocks-assistants.html> (Accessed 20 Dec 2010)
15. Telegraph.co.uk, "**Russian Navy Jets Disrupted US-Japanese Military**

Exercise",

<http://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/europe/russia/8188576/Russian-navy-jets-disrupted-US-Japanese-military-exercise.html> (Accesed8Dec2010).

16. Telegraph.co.uk, "**Russia Successfully Tests Ballistic Missiles**",
<http://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/europe/russia/8097267/Russia-successfully-tests-ballistic-missiles.html>,(Accesed8Dec2010).

17. The Nation.com.pk, "**Af-Pak is a 'Terror Incubator': Russian Intel Chief**",
<http://www.nation.com.pk/pakistan-news-newspaper-daily-english-online/Politics/10-Nov-2010/AfPak-is-a-terror-incubator-Russian-intel-chief>
(Accessed 10Dec2010).

18. Independent.co.uk, "**Afghanistan: Russia Steps in to Help NATO**",
<http://www.independent.co.uk/news/world/politics/exclusive-afghanistan-russia-steps-in-to-help-nato-2117468.html> (Accessed 5Dec2010).

19. Foxnews.com, "**Obama: NATO to Erect Missile Shield for Europe**",
<http://www.foxnews.com/world/2010/11/19/afghanistan-handover-issue-hangs-nato-summit-440124980/>(Accessed 25 nov2010).

20. BBC.com, "**New Start treaty: Obama signs US-Russia Nuclear Papers**"
www.bbc.co.uk/news/world-us-canada-12348780
(Accessed 10 Feb 2011)

21. "**Toward a NATO - Russia Strategic Concept: Ending Cold War Legacies. Facing New Threats Together**", IISS, 2010

22. Nato.int, "**Summit Meetings of Heads of State and Government**",
http://www.nato.int/cps/en/natolive/events_66529.htm
(Accessed 5 Dec 2010).

پښتونستان د علومو انساني و مطالعاتو فرېشنې
پرتال جامع علوم انساني